



روزانه ها ...

پیوندها

قلم ها



خانه



گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آراد (م.) ایل بیگی

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه به انتقاد ؛ تنها برای خواندن ست و ...

423

### نوشته هائی از مارکس و انگلس در باره ایران



کارل مارکس



فردریش انگلس

پنج مقاله  
از مارکس و انگلس  
فردریش انگلس  
ایران

MARK & ENGELS  
5 ARTICLES  
ON  
IRAN



کارل مارکس



کارل مارکس

### فهرست

۲ ..... یادداشت مترجم  
۴ ..... زندگینامه کارل مارکس

#### مقالات مارکس:

۱۲ ..... جنگ ایران و انگلس  
۱۸ ..... جنگ برمنده ایران  
۲۵ ..... قرارداد ایران  
۲۸ ..... زندگینامه فردریش انگلس  
۳۱ ..... نظر انگلس درباره گردش ایران (مترجم)

#### مقالات انگلس:

۳۲ ..... ایران و چین  
۳۹ ..... افغانستان  
۴۱ ..... فوریت اسلام  
۴۶ ..... منابع



پنج مقاله از کارل مارکس و فردریش انگلس  
ترجمه: ش. داوود  
چاپ اول: سازمان ابتکار، تهران ۱۳۵۸  
چاپ دوم: انتشارات شما، لندن ۱۳۶۱  
حق چاپ محفوظ و مخصوص مترجم است.

# نظر کارل مارکس درباره جنگ های ایران و انگلیس

اعلان جنگ انگلستان - یا در واقع شرکت هند شرقی - با ایران در حقیقت تکرار فریاد ستارانه و گستاخانه دیپلماتی انگلستان در سیاست که در اثر آن انگلستان مالکیت خود را بر این قاره گسترانیده است. بمحض اینکه شرکت هند شرقی چشم طمع بنگ دولت مستقل و مختار و با بیک منطقه ای که دارای منابع سیاسی و تجاری و با صاحب صنایع زریه زبور بوده باشد، بدو زد قربانی منعم به تجاوز فلان و بهمان فرار داد خیالی، با واقعی و یا تعدی از یک قول و قرار وهمی یا توهین عیون قابل صبران مستود و بدنبال آن جنگ اعلام میگردد. و یک بار دیگر ابدیت پلیدی و جاوید بودن داستان کورگ و میش تاریخ ملی انگلستان را با خون رنگین میسازد.

از سالیان دراز انگلستان در خلیج فارس موقعیتی برای خود دست و پا کرده حتی جزیره خارک را واقع در آستای تطلی تصاحب نموده بود. سرجان ملکم معروف که چندین بار سفیر انگلستان در ایران بوده پیوسته اهمیت این جزیره را یادآوری کرده اذعان داشت که ارزش خارک همتراز با بندر بوشهر، بندر ریگ، بصره، کربس باریبر و الکاتیف که در نزدیکی های آن قرار دارند میتواند باشد. در نتیجه هم اکنون انگلستان در آن واحد جزیره را در اختیار دارد و هم بندر بوشهر را. سرجان ملکم جزیره خارک را به نایب مرکز تجاری برکنه، عربستان و ایران میپنداشت. آب و هوای آن بسیار مساعد و تمام مواهب را برای رشد و پیشرفت دارا مییابد.

۱۲  
مقاله: مارکس و انگلس درباره ایران

سی و پنج سال بین سفیر انگلستان نظرات خود را به لرد مینتو که در آن موقع حکمران کل ( هند ) بوده تقدیم کرد و هر دو در صدد تحقیق این طرح برآمدند. در همان زمانیکه سرجان بفرماندهی گروه اعزامی برای تصرف جزیره منصوب شد و میبایستی حرکت میکرد هرمان یافت که به کلنگه برگردد و بجای وی سرهارت فور دجونز جهت مأموریت سیاسی با ایران فرستاده شد. طی بخشین محاصره هرات بوسیله ایرانیان در سالهای ۱۸۳۸ - ۱۸۳۷ انگلستان بیثانه واهی دفاع از افغانها، در حالیکه با خود آنها دسم خوبی بود. خارک را بتصرف درآورد. ولی بواسطه نامناسب بودن اوضاع و دخالت روسه مجبور شد که طعنه را رها کند. اقدام دولت ایران بر علیه هرات که با موفقیت توأم بود بار دیگر بنایه بدست انگلستان داد تا شاه ایران را منضم بمعهد شکنی کرده و بعنوان نخستین کام مخاصمه خارک را تصرف درآورد.

بدینسان، انگلستان مدتی مرم بوسه سعی داشت نفوذ خود را در کابینه شاهان ایران اسفزار بحسد ولی سندرست با موفقیت مواحه شده بود. شاهان ایران که خود را در مقابل دسمان چون دایه های مهربانتر از مادر ناسرا میدیدند با چار در مقابل ستار ساکاران تسلیم نمیدادند. ایرانیان از رصار انگلیسی ها در همدید گرفته بودند و حتماً نصیحتی را که در سال ۱۸۰۵ به محصله داده شده بود بخاطر دانستند. "ناید از مصالح یک ملت تاجر آرمسد که در هندوستان زندگی مردم و ماچ شاهان را بحراج گداسه است پوهیز کرد." کلوخ انداز را پاداش سنگ است. در سهران پاینجب ایران نفوذ انگلستان بسیار صعیف است زیرا علاوه بر دسسه های روس ها فرانسه نیز خانگه مهمی دارد و در همان این سنا بکار، انگلستان از آسپانی است که ایران باید بین آرمه از آن بیسناک باشد. در حال حاضر، از جانب ایران سفیری رهسپار پارسی است ناید بدانجا نیز رسیده باشد. و احتمال زیادی دارد که موضوع حوادث مربوط با ایران در آنجا مورد گفتگوی سیاسی قرار گیرد. در واقع، فرانسه با دیده بی تفاوتی بتصرف جزیره ای در خلیج فارس نمیگردد. موضوع از اینجهت حادثر است که فرانسه بعضی ارادها را زنده میکند بدینسان که حارک دوبار بوسله شاهان ایرانی در اختیار فرانسه گذاشته

۱۳  
مقاله: مارکس و انگلس درباره ایران

## جنگ بر علیه ایران

برای درک علل سیاسی و هدف جنگی که اخیراً انگلستان بر علیه ایران آغاز کرده و بنا به اخبار رسیده اخیراً " شدت بیشتری هم یافته است لازم است نگاهی به گذشته بکیم تا معلوم شود چرا دولت انگلستان میخواهد شاه ایران را بزانو درآورد. در سال ۱۵۰۲ سلسله ایرانی ( صفوی ) توسط اسماعیل بوجود آمد. وی حوت را وارث شاهان ایرانی تلقی میکرد. این سلسله بمدت دو قرن یک دولت مقتدر، توانا و سابسهای را بنیاد گذاشت. در سال ۱۶۲۰ ایرانیان شکست فاحشی از باغیان افغانی که در ایالات شرقی میزیستند، بحورودند. آنان به بحث عربی ایران حمله بردند و دود امپروافغانی توانستند بمدت چند سالی خود را براریکه ساهی ایران نگه دارند. پس از اشکمدنی افغانها توسط نادر که در آغاز فرماندهی کل هوا را بعهدده داشت از کشور برون رانده شدند. وقتی که نادر تاج سلطنت را تصاحب کرد افغان های یاغی را سرکوب کرده لشگرکی معروف خود را بنهد راه انداخت. بدینسان او بهاز هم پاشیدن سلطنت متزلزل امپراطوری معلول در هند ناری رساند و این امر موجب شد که راه نفوذ انگلیسیان برهند هموار گشته سپس سلطه آنان بر این کشور بقرار نمود.

در سال ۱۷۴۷، بدنبال هوج و مرج نانی از مرگ نادر در ایران، احمد دورانی در افغانستان حکومت مستقلی مرکب از ایالات امرنشین هرات، کابل، قندهار، پشاور و سوزمین هائی که بعدها بوسله سخها صاحب شد، بوجود آورد. این پادشاهی که فقط بظا هر یک پارچگی داشت پس از مرگ مؤسس آن فرو ریخت و سوزمین های

۱۵  
مقاله: مارکس و انگلس درباره ایران

بود. تخت در سال ۱۷۵۸ در زمان لوئی چهاردهم، دیگر بار در سال ۱۸۰۸ درست است که اینکار بطور مشروط بوده است ولی این امر کافی است که بدست هلد امپراطوران فرانسه ( لوئی بناپارت، مترجم ) که بقدر کافی صد انگلیسی است بهانه دهد.

در طی پاسخ اخیری که تایمزلندن به زورنالی ددیا داده است بنام دولت انگلستان حل و فصل مسائل اروپائی را، بعهدده فرانسه گذاشته تا بتواند مسائل مربوط به آسیا و امریکای لاتین را بی چون و چرا با انگلستان اختصام دهد بطوریکه هیچکدام از قدرت های اروپائی نباید در آن دخالت کنند. جای تردید است که لوئی بناپارت این نوع تقسیم جهان را به بدیدد. بهر حال در بنادسات اخیر ایران و انگلیس سیاست فرانسه، در تیوران، از تعدل اعمال انگلستان را نائید نکرد. و با توجه به لحن مطبوعات فرانسه و این که ادعاهای فرانسویان را در مورد خارک احبا میکند میتنر چنین پیدا است که انگلستان در خواهد یافت که حمله با ایران و نکه یاره کردن آن کار مدهای نیست.

این مقاله در ۳۰ اکتبر ۱۸۵۶ بوسیله کارل مارکس نوشته شده و در هفتم ژانویه ۱۸۵۷ در شماره ۴۹۰۴ روزنامه " نیویورک دیلی تریبون " بچاپ رسیده است.



آن‌ها خود داری کند، استقلال هرات و مالک افغانستان را برسمیت بشناسد و هرگز درمقدار اغلال در استقلال این ممالک برنیاید. " در مواقعی که اختلافی درباره هرات و افغانستان بدین‌آید برای رفع آن باید از اقدامات خیرخواهانه دولت انگلستان ناری گرفته شود. طرفین حق ندارند با اقدامات نظامی دست بزنند جز در مواردی که خدمات خیرخواهانه انگلستان بی نتیجه بیفتد. "

از سوی دیگر دولت انگلستان منعقد می‌شود: " برای اجتناب از هرگونه اختلاف از اعمال نفوذ خود بر ممالک اشدان خود داری کند. و اقدامات مجدانه‌ای برای حل اختلافات از طریق صلاحت با رعایت عدالت و خرافت بسود ایران بعمل آید. "

اگر عبارات سیاست ما بهانه را از این ماده بردانیم چیزی جز برسمیت شناختن استقلال هرات بوسیله ایوانیان باقی نمی‌ماند و این امتیازاتی است که در کنفرانس استانبول فرخ‌خان آه‌ادگی خود را برای دادن آن‌ها اعلام کرد. حقیقت این است که طبق این قرارداد انگلستان خود را بعنوان میانجی رسمی بین ایران و افغانستان حازده‌است، این که ناچه حد آن بتواند این نقش خود را ایفا کند ساله حقیقت بلکه مسالنه زور است. در ضمن اگر شاه در دربار خود یا شخصی مانند بنام هوگو گروتیوس نظرخواهی یکنه این شخص اعلام میدارد که امتیازاتی که یک دولت مستقل بک دولت خارجی در زمینه دخالت در امور بین‌المللی خود میدهد از دیدگاه حقوقی فاقد اعتبار است و این امر در مورد نفوذه چنین امتیازی بدولت انگلستان صادق است. این دولت با اصطلاحات شاعرانه‌ای چنان از ممالک افغانستان و طوایف مختلفه نام‌بیرد که گوئی افغانستان یک کشور رسمی است. دولت افغانستان بمعای سیاسی، همان قدر وجود دارد که دولت پان‌اسلاویا.

ماده هفتم بیانگر این است که: " هر گاه ممالک افغان بمرزهای ایران تجاوز کنند، دولت ایران حق خواهد داشت که برای کیفر متجاوزان به عملیات نظامی دست بزند. لیکن پس از انجام این کار بلافاصله باید بر زمین خود بازگردد. " این در واقع تکرار همان جمله قرار داد مربوط بسال ۱۸۵۲ است که سیدرنگ بیاتنه ( بدست انگلستان ) جهت اعزام کثون به بوشهر را داد.

۲۳ مقاله از مارکس و انگلس درباره ایران

و دریا دره‌های تابستان ناشی میشود حتی بومیان بوشهر و محوره را نیز ناراحت میکند و این امر بوسیله نویسندگان قدیم و جدید یادآوری شده است. احتیاجی نیست باین یادآوری‌ها اشاره شود، آقای هنری رولینسون که قاضی خیلی شایسته و در عین حال طرفدار پالمستون نیز است چند هفته پیش آشکارا اعلام کرد که سپاهیان هندی - انگلیسی در برابر زبان‌های غیر قابل تحمل ناشی از آب و هوا اشدت ندارند.

برای نجات سپاهیان، روزنامه‌نایمزلندن، برغم قرارداد صلح، پیشنهاد کرد که لازم است سپاهیان تا شروز پیش بروند. خودکشی یکی از فرماندهان نیروی دریایی و نیز یکی از نرئال‌های انگلیسی که فرماندهی سپاهیان اعزامی را بعهده نداشتند در واقع ناشی از نگرانی آنان از سلامت سپاهیان بوده است. بر طبق دستور دولت آنان حق نداشتند سپاهیان خود را فراتر از محوره پیش ببرند، بدینسان انتظار می‌رود که مصیبت کریمه یک بار دیگر، در مقیاس کوچکتری تکرار شود. وقوع چنین مصیبتی نه بنا بضرورت جنگی است و نه ناشی از اشتباهات مدیریت؛ بلکه فقط نتیجه قراردادی است که بزور شمشیر نوشته شده است. در مواد فوق‌الذکر جمله‌ای است که اگر منافع پالمستون ایجاد کند میتوان آن را " پیراهن عثمان " قرار دهد.

طبق ماده چهاردهم " سپاهیان انگلیسی از تمام بنا در، اماکن و جزایر متعلق بایران عقب‌نشینی خواهند کرد. " بدینسان، این نکته که آمانوهر محمره (خرمنهر فعلی - م. م) بایران تعلق دارد یا نه قابل گفتگوست. ترک‌ها ادعای مالکیت خود را باین بندر مرکز رها نکرده‌اند. ( تا پیش از جنگ بین‌الملل دوم تمام عراق زیر سلطه ترکیه عطا نلوبود. م. بواسطه کمی عمق دریا در بعضی از فصول بصره برای پهلو گرفتن کشتی‌های سنگین زیاد مناسب نیست در صورتی که در این منطقه تنها محمره است که در تمام طول سال برای کشتی‌ها قابل استفاده است. باین ترتیب اگر پالمستون بخواهد بسپاهان این که محمره بایران تعلق ندارد میتواند آن را تا رفع اختلافات مرزی ایران و ترکیه تحت اشغال خود نگه دارد.

ماده ششم حاکی است که ایران رضایت میدهد: " از تمام ادعاهای خود نسبت به اراضی و شهر هرات و نیز ممالک افغانستان صرف‌نظر کرده از دخالت در امور داخلی ده‌گانه، زمارکس و انگلس درباره ایران ۳۱

در آسیای مرکزی پدید آمده است. در اثر عقب‌نشینی سپاهیان هندی بار تازه‌ای بر خزاننداری هند تحمیل شده و در نتیجه ناراضی افزون شده است. نتایج تقریباً اجتناب‌ناپذیر و قایح یک کریمه دیگر عبارت از شناسایی میانجیگری رسمی بنا برارت بین انگلستان و دولت آسمانی و نیز تصرف دو قطعه زمین خیلی مهم بوسیله روس‌هاست که یکی در کنار بحر خزر و دیگری در موزه‌های شمالی سواحل ایران قرار دارد.

این مقاله در ۲ ژوئن ۱۸۵۷ بوسیله گارن مارکس نوشته شده و در شماره ۵۰۴۸ روزنامه نیویورک دلی تریبون بکارخ ۲۴ ژوئن ۱۸۵۷ چاپ رسیده است.

۲۴ مقاله از مارکس و انگلس درباره ایران

بنابا ماده ۹ دولت ایران اجازه تأسیس و شناسایی رایزنی‌های کل، رایزنی و معاونت رایزنی را قبول کرده، مقامات کنسولی انگلستان را در خاک ایران می‌پذیرد، بر طبق ماده ۱۲ دولت انگلستان از ایرانیانی که هم‌اکنون در استخدام هیأت‌های انگلیسی، رایزنی‌های کل، رایزنی و معاونت رایزنی و کارکنان رایزنی انگلستان نیستند حمایت نمیکند.

استقرار رایزنی‌های انگلیسی در ایران پیش از جنگ مورد موافقت فرخ‌خان توار گرفته بود، قرار داد کنونی جز خودداری انگلستان از حق حمایت ایرانیان جبری نمی‌افزاید، حتی که یکی از علل محرز جنگ بشمار می‌آید. اطرش، فرانسه و سایر دول کنسولگری‌های خود را بدون توسل به اعزام دزدان درمائی، در ایران برقرار کردند.

بالاخره قرارداد بازگشت م. موری را بدربار ایران و نیز محذرت خواهی از این نجیب‌زاده را تحمیل کرد. (توضیح این که) شاه، در یکی از نامه‌هایش خطاب به صدر اعظم، موری را " مرد احمق، نادان و دیوانه "، یک آدم " کم عقل " و نویسنده یک " سند عه و سستیانه " توصیف کرده بود. صدر خواهی از موری نیز بوسیله فرخ‌خان " بلا " مطر خنده بود لیکن در آن موقع این پیشنهاد رد تنده متقابلاً " خواسته شده بود که صدر اعظم اسعفا بدهد و میری با جلال و نگوه تمام " در میان صدای نای و کربای و شیپور و فلوت و هارپ و دیگر ادوات موسیقی " وارد نهران شود. آقای موری که بعنوان رایزن کل در مصر مراتب لطف شخصی آقای باورو را پذیرفته و بعضی بیاده‌شدن در ساحل بوشهر تنه‌اگوئی را که از سوی شاه سوی هدیه سده بود آشکارا در بازار بفروش رساند. وی بعنوان یک نوالیه در بدر، در حالی که # یک بانوی ایرانی بدنامی را همراهی میکرد توانست بصور کمال و ساینسی یک نفر انگلیسی را در هجرت رفیقان جای دهد. تحمیل اجباری او بدر بار ایران یک موفقیت قابل تردید بود. این قرارداد در مقابسه با آن چه که فرخ‌خان پیشنهاد کرده بود " جمدا " چیز تازه‌ای ندارد. امتیازی که بنا باین قرارداد بدست آمده حتی با اداره عیمت کاغذی که قرارداد بروزی آن نوشته شده ارزش ندارد تا جرسد به پول‌هایی که در این راه خرج شده و یا چون‌هائی که بر زمین ریخته شده است. بیشترین حاصل عملیات نظامی انگلستان در ایران عبارت از کینه و بفرنی است که بر علیه انگلستان

۲۳ مقاله از مارکس و انگلس درباره ایران

انگلس

ایران و چین

اخیراً انگلیسی ها جنگی را در آسنا بیابان رسانده بیدرتنگ جنگ دیگری را آغاز کرده اند. ( طرز ) مقاوم ایرانیان و چینی ها در برابر تجاوز انگلیسی ها تضادی را متعکس میسازد که غایب توجه است. در ایران سبب سازماندهی اروپائی ارتش بر روی تربیت آسمانی پیوند خورده است. در چین، بعد سیمه بوسیده ناسانی - ترین دولت جهان با امکانات محدود با اروپائیان مقابله میکند. ایران یک شکست آشکار و پذیرفت در صورتی که حس ، ناسمادانه ، نیمه از هم یاشنده ، سبب ماهومسی را پدید آورده که اگر ( بدرستی ) بکار گرفته شود به انگلیسی ها اجازه نخواهد داد که بیسروی بهروردندانه خود در ایران را در حس بار دیگر تکرار کنند.

وضع ایران شاهسرایادی به وضع ترکیه ، بیکنام جنگ با روسیه در سال های ۱۸۲۹ - ۱۸۲۸ داشت. افسران انگلیسی ، فرانسوی و روسی ، هر یک کمبوست ، سازمان - دهی ارتش ایران را عهده دار بودند. در اثر حسادت ، بوطه چینی ، جیل ، خیانت و فساد شرقیان - که همبیا بوسی شکل افسران و سربازان اروپائی در صدماندند - سبب شکست می خورد و بجای آن سیستم دیگری برقرار میسند. ارتش جدید ( ایران ) هرگز فرصت نیافته بود که مدیریت و هدف ریزی خود را بحدک آزمایش برزند. عملیات آن محدود بیک سلسله جنگ بر تلمه گرد ها ، ترکمن ها و افغان ها بود که طی آن برخی از واحدهای ذخیره سواران غیر نظامی ایران شرکت داشتند. این

مقاله: زمار گسروا انگلس در باره ایران

سواران ( چریک ) نبردهای واقعی راه انداختند. نظامیان جز ظاهر آراسته ، چیزی ندانستند که به دشمن تحمیل کنند. بالاخره جنگ بین ایران و انگلسان را رسید.

انگلیسی ها به بوشهر حمله کردند و در آنجا با مقاومت دلیرانه ، ولی نابسند ، روبرو شدند. مدافعان شهر از ارتشوان منظم نبودند. بلکه ( چریک های ) ایرانی و عرب ربانی بودند که در ساحل میروستند. ارتشیان دره ۹ کیلومتری محل بر روی تپه ها مسخر میبودند. بالاخره آنان جلوتر آمدند. در میان راه قشون مختلط هندی - انگلیسی با آنان مواجه شدند. هر چند که نحوه ی بکارگیری توپخانه اسفخاراتی برای ایرانیان بسیار آهرد و ایرانی ها بطور مطلوب دستجاتی بشکل مربع تشکیل دادند لیکن فقط آتش یکی از گردان های سواره نظام هندی تمام سپاه ایران ، اعم از پیشتازان و گردان های خط جبهه را از صحنه نبرد بیرون راند. برای این که بقابلت این سواران در مشون هند پی ببریم کافی است به کتاب سروان نولان مراجعه کنیم. در میان افسران انگلیسی - هندی این اسواران از بی ارزشترین و بدترین نظامیان بنظر آمده و قابلت آن را حتی کمتر از سواران غیر نظامی ( چریک ) توصیف میکردند. سروان نولان حتی یک عمل جنگی را نیز نمیتواند نام ببرد که طی آن این اسواران اعتباری کسب کرده باشند. با تمام این احوال ۶۰۰ نفر از این سواره نظام ارتش ده هزار نفری ایران را تار و مار کردند. وحتت چنان در سپاه ایران افتاده بود که جز توپخانه هیچ چیز دیگر در هیچ جا پایداری نکرد. وقتی به محرمه ( آبادان - مترجم ) رسیدند خود را از تحریس برکنار یافتند. در این میان فقط افراد توپخانه بودند که بجا مانده و از توپ ها دفاع میکردند بعضی این که توپ ها خاموش شدند خدمه آن ها نیز عقب نشستند. هنگامی که سیمد و ینجاه سفنگدار - گشتی از سواره نظام انگلیسی در ساحل پیاده شدند تمام سپاهیان ایرانی پس برفتند و کلیه تسلیحات و تجهیزات را بدست فاتحان نه - زیرا ایان را نمیتوان فاتح نامید - بلکه متجاوزان سیردند.

با تمام این احوال ایرانیان را نمیتوان به عنوان یکجمله ترسو و یا بعلت پذیرش شوم های جنگی اروپائیان بوسیله شرقیان سرزنش کرد. جنگ های روس و ترک در

مقاله: زمار گسروا انگلس در باره ایران

آب بیرون گشت.

تنها اسلحه ای که در همد جا استثنا است توپخانه میباشد. در این مورد شرقیان چنان بی کفایت و ناتوان هستند که اجباراً تمام کارهای توپ را به مسلمان اروپائی واگذار میکنند. در نتیجه در ترکیه ، مانند ایران ، در مقایسه با پیاده نظام و یا سواره نظام ، توپخانه خیلی پیشرفته است.

در چنین شرایطی بود که ارتش هندی - انگلیسی که یکی از قدیمی ترین ارتش های مشرق زمین بوده بر طبق سیستم اروپائی سازمان یافته بود سپاهیان ایران را تار و مار کرد. این ارتش تنها ارتشی بود که تابع یک دولت شرقی نبوده مدحسراً "بیرو مدیریت اروپائی بوده و بطور کل تحت فرماندهی اروپائیان قرار داشت و بوسیله نفرات و نیروی دریائی انگلستان پشتیبانی میشد.

در مورد ایرانیان ، بجای درخشندگی ، عکس آن صادق بود. چیزی که در مورد ترک ها دیده شد در باره ایرانیان نیز بچشم میخورد. بدین معنی که او نیفورم و طرز لباس پوشیدن اروپائی برای رزم عرض ، ( یا حرکات صفی ) به تنهایی نمیتواند رمز شکست ناپذیری باشد. ممکن است در بیست سال آینده شکست ایرانیان ، همانند ترک ها در پیروزی اخیرشان ، قابل تردید باشد.

بنا باطلاع ، سپاهی که بوشهر و محرمه را بنصرف در آورده بلافاصله به جین اعزام شده اند. نفرات این سپاه ( هندی - انگلیسی ) در جین با دشمنی گاملاً متفاوت ( از ایرانیان م ) روبرو خواهند شد. ایان بجای شوم های اروپائی با مسائل توده های جنگاور غیر نظامی آسیائی روبرو خواهند بود. بدون شک آنان ، بدون اشکال زیادی موفقیت کسب خواهند کرد. ولی اگر چینی ها یک جنگ مبتنی بر علیه آنان راه بیاندازند. و اگر خونریزی و بی توجهی آنان را وارد کرد که از سلاح های دم دست خود استفاده کنند سپاه هندی - انگلسی چه روزگاری میتواند داشته باشد؟

اکنون روحیه چینیان با زمان جنگ های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۲ فرق میکند. در آن زمان مردم آرام بوده نبرد با متجاوزان را بعهده سربازان امپراطوری واگذار کردند که بنا با اعتقاد شرقی در مورد قضا و قدر با نخستین شکست تسلیم دشمن شدند.

مقاله: زمار گسروا انگلس در باره ایران

( - انگلس در این جا صفت "بهر" بکار برده که میتواند وحشی نیز ترجمه شود.

حمله‌ات غافلگیرانه و کشتارهای شبانه ناجوانمردانه نام میگیرند سوداگران تمدن با پدید آمدن ، همان طوری که خودشان متذکر هستند ، چینی‌ها نمیتوانند با ابزارهای جنگی معمولی در برابر وسایل ویرانگر اروپائیی بایرداری کنند .  
 خلاصه برخلاف روزنامه‌های اشرافی انگلیسی که میکوشند بیرحمی های وحشتناک چینی‌ها را غیراخلاقی جلوه‌گر سازند ما باید بپذیریم که این یک جنگ تحمیلی و یک جنگ سپه‌نی برای پاسداری از ملیت چینی است و برغم خرافات خیلی زیاد ، جهل پر نصاب و بی‌بروبت ظاهری این یک تیرد خطفی است . در یک نبرد خطفی ، وسایلی که بوسیله خلق بسا خاسه نگار گرفته میشود تصیواند برطبق مقررات مورد قبول در یک جنگ معمولی بوده باشد و یا با جیمارهای انزاعی دیگری ارزیابی شوند . در این مورد تنها درجه مدنی طب بسا خاسه باید بمیار محبوب شود .

این بار انگلیسی‌ها در وضع دشواری قرار دارند . سطر نمیرسد که تعصب ملی چینی ناکبور او مروا نالب‌های جنوبی بمناطق که هنوز به شورش بزرگ بسپوسته‌اند فرار رفته باشد . اما جنگ در همس حد بمبار خواهد شد ؟ در این صورت هج سنجهای او آن حامل بسنود زیرا که همب نقطه حساسی امپراطوری مورد تهدید قرار نمیکرد . اگر تعصب ملی تمام مردم را در داخل چین فرا نگرد در این حال چنین جنگی خیلی خطرناک مسمواند باشد . گامون ممکن است ویران شود و سواحل تحت اسفال کامل انگلیسی‌ها در آمدن لکن تمام سروهاشی که انگلیسی‌ها مسمواند جمع و جور کنند برای تصرف و بکهداری دو ا نالب کوانگ تونگ و کوانگ‌سی کافی نیست . انگلیسی‌ها چه کاری فراتر از اس مسمواند بکنند ؟ در شمال کانتون نانا نگهای و نانگن در اخصار شورشیا چینی است ؛ حمله‌این نقاط سناست نادرسی است . سنا بقله‌ای که مسموان بدانجا حمله سرد و نتایج معنی مدست آورد بکن در شمال مانگن است . ولی کجاست ان ارشتر عظیمی که بتواند پایگاه‌های عملیاتی تعویب شده و مجهزی در ساحل ایجاد کند ، مواج همراه رابرای قسم‌های نظامی که با موریت بوژاری ارسا شد با ساحل را داراست بردارد و نیز توانی که اقلا " بصورت یک سروی ظاهری هم بوده باشد در برای دیوار شهری که با اندازه بسدن بزرگ

.....  
 مقاله از مارکس و انگلس در باره ایران  
 ۳۷  
 .....

لیکن حالا ، حداقل در ایالات جنوبی ، در آن جاهائی که تاکنون مخصصات محدود بوده است ، نوده‌های مردم فعالانه بر علیه بیگانگان بسا خاسه حتی خرافاتی وار بر ضد آنان می‌جنگند . چینی‌ها نان ستون اعزامی به هنگ کنگ را با بیش اندیشی بزهر زیادی آغشته کردند . [ چند فرس اواین نان را برای آزمایش بر اعلی بیگ فرستادند . وی آن‌ها را بر آژ سم آرسینک یافت . مقدار زهر چنان زیاد بود که بلافاصله حالت تهوع پدید می‌آورد و در نتیجه اثرات سم خدشی میشد . ] چینیان با سلاح های مخفی سوار کشتی‌های نجارتی میشوند و در جریان سفر ساقوان اروپائی کشتی‌ها را قتل‌عام میکنند و سپس کشتی را بصرف در سمیا روند . آنان تمام خارجیانی را که در دم دست می‌یابند میریابند و میکشند . حتی کارگران چینی که بکشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند بموتان همدردی در کشتی‌های حمل و نقل بر بشورش بر میدارند و برای تصرف کشتی می‌جنگند و یا بجای تسلیم با خود کشتی بزیر آب می‌روند و یا در میان شعله‌های کشتی میسوزند . حتی در خارج از چین ، آنهاشی که تاکنون سریز برترین و آرامترین افراد بودند با هم می‌سازند و ناگهان بسا خاسه و شبانه دست بشورش میزنند مانند مورد سارا واک یا سگا پور . جر با زور و موافقت آنان آرام نمیگیرند . سیاست غارتگری انگلستان چنین انجاری را در سرتا سر چین بر علیه همه خارجیان برانگیخته است و بدین جنگ جنبه کشتار جمعی داده است . ارتش در برابر ملتی که بچتمین وسایلی مجهز بشود چه مسمواند بکند ؟ یا تا چه اندازه این ارتش بیگانه مسمواند در داخل کشور بشوروی کند و مسمواند خود را در امان نگه دارد ؟ این سوداگران تمدن که شهرهای بی دفاع را به گلوله‌های آتشبار می‌بندند و تجایز برنان را با کشتار همراه میکنند کارهای چینیان را ناجوانمردانه ، وحشی و بیرحمی می‌نامند . برای موفقیت این صرف‌ها در نظر چینی‌ها چه اهمیتی دارد ؟

با توجه باین که انگلیسی‌ها با آن‌ها بطور وحشیانه رفتار میکنند در نتیجه نمیتوانند آنان را از اعمال وحشیانه مقابل باز دارند . اگر ربودن انگلیسی‌ها .

۳ - شیمیدان آلمانی ۱۸۷۳ - ۱۸۵۳ باشی شیمی کتا وری م .  
 .....  
 مقاله از مارکس و انگلس در باره ایران  
 ۳۶  
 .....

است و صدها کیلومتر از نقطه پیداه شدن این ارتش بدور است حضور دانشماده ؟ از سوی دیگر اگر حرکتی منجر به اسفال یکن بشود تمام سفادهای امپراطوری ممرورل میشود و سقوط سلسله سنا اینگ تسریع گشته راه را برای بهنرف انگلیسی‌ها سه ، بلکه روس‌ها هموار میسازد .  
 جنگ اخیر انگلیس و چین جنان بیچیده است که گاملا " غیرممکن است که بتوان نتایج آن را حدس زد . بمدت چندین ماه بعلمت بود گروه‌های نظامی و بر بمدت بیشتر بواسطه بی تصمیمی ، جز در چند نقطه بی اهمیت که در شرایط کوسی کانتون هم بخشی او آن‌هاست انگلیسی‌ها اقدام مهمی بعمل نجواهند آورد .  
 بگ نکته مسلم است ، بدین مسمی که آخرین ساعات چین قدیمی فرامسرد . جنگ داخلی از هم اکنون جنوب را از شمال امپراطوری جدا کرده راه جوسی همان قدر در شمال سیاهیان امپراطوری در امان است ( وگرنه در فبال بوطنه حسنی دهقانان شخص جودس ) که امپراطور آلمانی در فبال سورسان یکی . با سنا لحظه کانتون بوخی جنگ استقلال بر علیه انگلسی و هرا چینی دیگر نه بیس مسمواند ؛ در حالی که ناوگان و لسکران انگلسی و فراسوی در هنگ کنگ بماده مسوسد ، فرارها در مرز سمیری به آهستگی ولی با اطمینان از گوه‌های دانشور با سواحل آمور بسرووی میکنند و بناده نظام و ناوان روسی اسحکامات سادر نا سگوه ممحوری را در محاصرد مسگرد . محط مرسه مسموات حمعی‌های جنوب در مهاره‌سار بر علیه خارجیان سنا بگر محط عظمی است که جس تدبم را جدید میکنند . ما حمد سال دیگر ما با حمد سطره پسر امپراطوری جهان و آثار دوران جدیدی برای آسا خواهم بود .

نوشته فردریک انگلس ، در حدوده ۱۸۵۷ که در شماره ۵۵۳۲ نیویورک دینی تریمن بتاريخ ۵ ژوئن ۱۸۵۷ چاپ رسید .

.....  
 مقاله از مارکس و انگلس در باره ایران  
 ۳۸  
 .....